



واکنش مقامات وزارت امور خارجه
به استانداردارد دو گانه حقوق بشری آلمان

برلین آلوده

صفحه ۷

VATAN-E-EMROOZ | VOL.17 | NO.4289 | SAT.APR.12, 2025 | ISSN:2008-2886

۱۹۰ سال و ۲۲۲ روز گذشت |

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR



در شبی که فولاد هم شایسته پیروزی نبود
چهارمین شکست «استقلال بوزوویج» ثبت شد!

عذاب بی پایان

صفحه ۶

شنبه | ۲۳ فروردین ۱۴۰۴ | ۱۲ آوریل ۲۰۲۵ | سال هفدهم | شماره ۴۲۸۹ | صفحه ۵۰۰۰ تومان

تیتیر های امر وز



واکنش مقامات سیاسی کشورمان به لفاظی های
جدید ترامپ در آستانه مذاکرات امروز مسقط

تهدید ممنوع

صفحه ۲

عضو کمیسیون بهداشت مجلس در گفت و گو
با «وطن امروز» از گرانی و کمبود دارو با وجود تأمین
منابع قابل توجه برای این بخش انتقاد کرد

نارسایی توزیع

صفحه ۲

نامه هزاران سرباز اشغالگر در اعتراض به آغاز مجدد
جنگ غزه و اعلام خودداری از خدمت در ار تش

نافرمانی از نتانیاهو

صفحه ۷

بررسی کیفیت نمایشگاه کتاب تهران
در سال های اخیر و انتقاد اهالی فرهنگ
به کیفیت این نمایشگاه

ویژه

رفع تکلیف به جای فرهنگ

صفحه ۸

شرحی بر ناتوانی آمریکا

در ایجاد شکاف میان چین و روسیه

توهم کیسینجر معکوس



یادداشت

حسین مهدی تبار

«هنری کیسینجر، سیاستمداری که تبدیل شدن به آن آرزوی بسیاری از سیاستپو آمریکایی است. او رهبری بود که توافق های بزرگی با اثرات جهانی انجام داد. هیچ حرکت دیپلماتیکی بیشتر از: گشایش روابط آمریکا با چین در سال ۱۹۷۱ به طور نمادین کیسینجر نیست». این را فارن افرز می نویسد در گزارشی که تلاش می کند توضیح دهد چرا تکرار سیاست های کیسینجر در قبال چین، حالا در مقابل روسیه - چیزی که به عنوان «کیسینجر معکوس» شناخته می شود - چندان ایده معقولی نیست. اگر آمریکا در دهه ۷۰ میلادی موازنه قوا را با نزدیک شدن به چین به نفع خود تغییر داد، بسیاری از سیاستمداران آمریکایی به دنبال آن هستند تا امروز با نزدیکی به روسیه همان تجربه را تکرار کنند. همه چیز به اواخر دوران جنگ سرد و دیپلماسی پینگ پنگ بازمی گردد؛ زمانی که ایالات متحده توانست با نزدیک کردن چین به خود، فاصله شوروی و چین را بیشتر کند. بسیاری از تحلیلگران معتقدند لحظه شروع شکست شوروی در جنگ سرد، همان لحظه ای بود که روابط چین و آمریکا در سال ۱۹۷۱ احیا شد. این مساله تا حد زیادی به سیاست های کیسینجر و دیدگاه او بازمی گشت. او یک دانشمند رئالیست بود و به همین دلیل به اجرای سیاست موازنه قدرت اعتقاد داشت؛ سیاستی که به معنی این بود آمریکا باید برای اینکه وزنه بیشتری در رقابت با شوروی به دست بیاورد، چین را به خود نزدیک کند. البته به گزارش فارن افرز ایده آشتی با چین ابتدا از سوی نیکسون مطرح شد، نه کیسینجر. نیکسون سال ۱۹۶۷، پیش از اینکه رئیس جمهور شود، در مجله فارن افرز نوشت «هر سیاست آمریکایی در قبال آسیا باید به طور فوری با واقعیت چین روبه رو شود» و اینکه واشنگتن «همی تواند بسادگی اجازه دهد چین برای همیشه خارج از خانواده ملتها باقی بماند، جایی که بتواند خیالات خود را پرورش دهد، نفرت هایش را پرورش دهد و همسایگانش را تهدید کند». نیکسون می توانست درباره آشتی با چین سخن بگوید، زیرا مائو تسه تونگ، رهبر چین نیز به دنبال همان هدف بود. در واقعیت اتحاد چین و شوروی از اواخر دهه ۱۹۵۰ که اختلافات شدید میان مائو و نیکیتا خروشچف، رهبر شوروی به وجود آمد، پایان یافته بود. تا اواخر دهه ۱۹۶۰، چین و اتحاد جماهیر شوروی عملا در حال جنگ بودند. درگیری ها در مرز شمال شرقی آنها در اطراف جزیره ژنباو که در رودخانه ای قرار داشت که ۲ کشور را از هم جدا می کرد، به حدی شدت یافت که مائو حتی در اگوست ۱۹۶۹ رهبران سیاسی را از پکن تخلیه کرد.

ادامه در صفحه ۶

پرونده «وطن امروز» درباره تأثیر جنگ تعرفه ای آمریکا و چین بر اقتصاد و سیاست جهان

بزن بزن اقتصادی

موضع چین در قبال جنگ اوکراین، ایران و تایوان تهاجمی تر می شود؟

صفحات ۷۲

دنبال کردن

Mao Ning 毛宁

@SpoxCHN_MaoNing



شخص، تصویر وی از توییت کا به امیر سخنگوی وزارت خارجه چین دربار، فرمان های آمریکا

کلاه قرمزی بابر چسب چینی!

یادداشت روز

سمیه خلیلی

دور جدید تنش های تجاری میان ایالات متحده و چین، با افزایش افسار گسیخته تعرفه های گمرکی از سوی دولت دونالد ترامپ، رئیس جمهور ماجراجوی ایالات متحده، وارد مرحله ای به غایت خطرناک شده است. این اقدام که با هدف نخنمای «حمایت از صنایع داخلی آمریکا»، کاهش کسری موهوم تجاری و به زعم ترامپ، «بازگرداندن عظمت خیالی به آمریکا» انجام می شود، با واکنش های گسترده بین المللی، هشدارهای دلسوزانه کارشناسان اقتصادی و تمسخر آشکار و بجای طرف چینی روبه رو شده است. یکن در اقدامی طنزآمیز و البته عمیقاً سیاسی، پیام خود را نه با موشک و تحریم، که با یک «کلاه قرمز» ارسال کرده است؛ کلاهی که در ظاهر، نماد کارزار «آمریکا را دوباره عظمت ببخشیم» است اما در پشت پرچسب تولید، با حروف برجسته ای نوشته شده: ساخت چین افزایش تعرفه ها بر کالاهای وارداتی از چین، در واقع تازه ترین فصل از یک رشته اقدامات تجاری ابلهانه است که ترامپ از زمان روی کار آمدن در پیش گرفته است. او که گویی درکی از مبانی اولیه اقتصاد بین الملل ندارد، همواره از کسری تجاری آمریکا با چین انتقاد کرده و تعرفه ها را به عنوان ابزاری برای فشار بر پکن و تغییر توازن تجاری به نفع واشنگتن می داند. این در حالی است که منتقدان، دلسوزان و اقتصاددانان برجسته بر این باورند این سیاست، نه تنها به اهداف شوم مورد نظر دست نخواهد یافت، بلکه به اقتصاد آمریکا و جهان نیز آسیب های جبران ناپذیری وارد خواهد کرد.

■ ترامپ، تعرفه و توهم استقلال اقتصادی در بحبوحه رقابت های انتخاباتی ۲۰۲۴ دونالد ترامپ بار دیگر از همان دفترچه سیاست گذاری سال ۲۰۱۶ استفاده کرد: ملی گرایی اقتصادی، مقابله با چین و ترویج «صنعت آمریکایی». او در سخنرانی اخیرش اعلام کرد در صورت پیروزی در انتخابات، تعرفه های ۶۰ درصدی بر واردات کالاهای چینی اعمال خواهد کرد و وارلت از سایر کشورها نیز بدون استثنا با مالیات سنگین مواجه خواهد شد. اما این رویکرد که با عنوان «حمایت از کارگر آمریکایی» مطرح می شود، واقعا تا چه اندازه به نفع اقتصاد ایالات متحده است؟ آیا می توان زنجیره تأمین جهانی را نادیده گرفت و در عصر هم پیوستگی اقتصادی، به استقلال کامل رسید؟ بسیاری از کارشناسان اقتصادی معتقدند سیاست های تعرفه ای ترامپ، نه تنها تورم را در داخل آمریکا افزایش می دهد، بلکه قدرت خرید مصرف کنندگان آمریکایی را نیز کاهش خواهد داد. افزایش قیمت کالاهای وارداتی، از اسباب بازی و پوشاک گرفته تا لوازم خانگی و تلفن های همراه، فشار اقتصادی مستقیمی بر طبقات متوسط و پایین خواهد آورد؛ همان طبقه ای که ترامپ مدعی حمایت از آنهاست. بسیاری از اقتصاددانان، اقدام ترامپ در افزایش تعرفه ها را «خودزنی» و «شلیک به پای خود» توصیف می کنند. افزایش هزینه های واردات، به معنای افزایش سرسام آور قیمت کالاهای مصرفی برای شهروندان آمریکایی است. از آنجا که بخش قابل توجهی از کالاهای مورد نیاز مردم آمریکا، از جمله پوشاک، لوازم الکترونیکی و اسباب بازی ها، از چین وارد می شود، این افزایش قیمت ها می تواند فشار کمرشکنی را بر بودجه خانوارها بویژه خانوارهای کم درآمد و طبقه متوسط رو به زوال وارد کند. علاوه بر این، افزایش تعرفه ها، قدرت رقابت شرکت های به احتضار درآمده آمریکایی را نیز در بازارهای جهانی کاهش می دهد. بسیاری از این شرکت ها برای تولید محصولات خود، به قطعات و مواد اولیه وارداتی از چین وابسته اند. افزایش قیمت این مواد اولیه، هزینه تولید را بالا برده و در نتیجه، قیمت تمام شده محصولات آمریکایی افزایش می یابد. این امر توانایی رقابت این شرکت ها را در برابر رقبای خارجی بویژه در کشورهایی که تعرفه های پایین تری دارند و از علائقیت اقتصادی بیشتری بهره می برند، شدت تضعیف می کند.

■ پاسخ چین: یک کلاه قرمز، هزار حرف ناگفته در چنین فضایی، واکنش چین به شکل یک تصویر ساده و در عین حال نیش دار منتشر شد: کلاه معروف کمپین ترامپ با برچسبی که حکایت از محل تولید آن دارد، چین. رسانه های وزین چینی از جمله گلوبال تایمز با تیتراهای طعنه آمیز نوشتند «حتی میهن پرستی ترامپ هم ساخت چین است!»

این واکنش، تنها یک شوخی رسانه ای نیست، بلکه پاسخی هوشمندانه به استراتژی شکست خورده ترامپ در جنگ تجاری قبلی اش با پکن در سال های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۰ است. چین با یادآوری اینکه حتی نمادهای ملی گرایی ترامپ وابسته به تولیدات کارخانه های چینی است، توانست عمق وابستگی اقتصاد آمریکا به زنجیره جهانی را به رخ بکشد.

■ تأثیرات جهانی یک بازی دو سر باخت افزایش تعرفه ها فقط یک جنگ دوجانبه میان چین و آمریکا نیست، بلکه موج آن به سرعت به اروپا، آمریکای لاتین و سایر اقتصادهای وابسته به صادرات سرایت خواهد کرد.

ادامه در صفحه ۲